

تأمین زمین از روی بارهوا

مسئول مصوبات قانون جوانی جمعیت اداره کل راه و شهرسازی خراسان رضوی در گفت و گو با شهرآرا گفت: «از تاریخ ۲۴ آبان سال ۱۴۰۰ که قانون به ما ابلاغ شد، شروع کردیم و تا امروز مجموع آمار ثبت نام هادر استان ۶۳ هزار و ۵۱۰ نفر است. تاکنون تعداد متقاضیانی که بررسی و تأیید نهایی شده اند، یعنی در انتظار تأمین زمین هستند، ۳۰ هزار و ۴۴۲ نفر است. از این تعداد تاکنون برای ۷ هزار و ۵۶۰ نفر زمین تأمین کرده ایم.» اگر متوجه موضوع نشدید، به زبان ساده یعنی تا امروز ۶۳ هزار نفر برای مسکن ملی در خراسان رضوی ثبت نام کرده اند که ۳۰ هزار نفر تأیید شده اند، ولی فقط برای ۷ هزار نفر زمین هست. باز هم اگر موضوع را نگرفته اید، بخش هایی از گزارش کار یک مدیر را درباره این موضوع در ادامه بخوانید.

شنبه

امروز سامانه چیز افتتاح شد. سامانه چی بود؟ اسمش یادم نیست، فقط می دانم یک سامانه برای ثبت نام مسکن است. این سامانه توسط دانشمندان جوان کشورمان ساخته شده است. البته یک مدتی بالا نمی آمد، ولی به برادرزاده ام که یکی از طراحان این سامانه است، گفتم، اشکالتش را برطرف کرد. یادم باشد فاکتورهایش را هم امضا کنم.

چهارشنبه بعد

خبر رسیده است که بیش از ۶۳ هزار نفر در این سامانه برای مسکن ثبت نام کرده اند. باورم نمی شود که این همه آدم خانه نداشته باشند! مگر می شود؟! به هر حال این استقبال مردم هم برگ زرین دیگری است که در دفتر افتخارات ما ثبت شد.

چهارشنبه بعد

همکارانم در این مدت سخت مشغول بررسی آمار و اطلاعات ثبت نام کنندگان در سامانه بودند. از آن تعداد، ۳۰ هزار نفر واجد همه شرایط شده اند. گویا واقعا این تعداد از مردم خانه ندارند. خیلی عجیب است که چطور یک نفر در این کشور نتوانسته است یک خانه خوب بخرد؟ حالا افرادی که مثل ما مدیر هستند که دیگر خانه دوم و ویلا... هم باید داشته باشند.

چهارشنبه همان هفته

در جلسه امروز مشخص شد که فعلا فقط برای ۷ هزار نفر زمین داریم. یعنی ۲۳ هزار نفر دیگر باید در صف بمانند. حالا زمین همین ۷ هزار نفر هم آماده ولای کاغذکادو نیست و هنوز باید مراحل اداری اش طی شود. نمی دانم ما که زمین نداشتیم، چرا قولش را دادیم؟! چرا

شنبه هفته بعد

این دوسه روز فکرم خیلی مشغول بود برای تأمین زمین آن ۷ هزار نفر و آن ۲۳ هزار نفر دیگر. قرار شد برادرزاده من و داماد آقای مدیر و دختر آقای معاون یک سامانه جدید طراحی کنند تا این ۳۰ هزار نفر بروند دوباره در آن ثبت نام کنند. این طوری هم وضعیت آن ها بهتر و عمیق تر بررسی خواهد شد و هم ما وقت داریم که برای تأمین زمین یک فکری بکنیم.

سه شنبه چهارشنبه بعد

خوشبختانه این تمهیدمان جواب داد. نه که زمین تأمین شده باشد، نه. این طوری جواب داد که سامانه بالانمی آید و آن ۳۰ هزار نفر در مرحله آخر گیر می کنند و کار به نتیجه نمی رسد و چند ماه منتظر پیامک تأیید می مانند. تا ببینیم زمین از کجا می رسد. برای بعدش هم یک فکری می کنیم، یا یک سامانه جدید طراحی می کنیم، یا یک شرط جدید می گذاریم که باز چند هزار نفر را حذف کنیم، یا خود این افراد خانه دار می شوند، یا خسته می شوند و یا خدای نکرده از دنیا می روند. نهایتا شاید زمین هم جور شد.

سفری به اتاق های انتظار!



فرهاد ناجی

فرهنگ شهروندی

صفحه ۴
۱۷ آذر ۱۴۰۳
شماره ۱۲۱

می کنید. اگر توان کسب مدال را ندارید، باید سعی کنید مانند دو مارتن فقط خود را به خط پایان برسانید. در برخی اتاق های انتظار افراد آن قدر به هم نزدیک هستند که گاهی ممکن است آدم را یاد مترو یا اتوبوس بیندازد. حتی در این میان، ممکن است یکی از بیماران در حال توضیح دادن جزئیات درد مزاجش باشد و شما به عنوان یک شنونده ناخواسته همه جزئیات زندگی او را از سر تا انتهای روده متوجه شوید. درواقع در این

پایین ساختمان، حداقل به تومن بکشین، بیارین بالا. به کی هم از این فرم بگیرین.» آخر نمی دانم کدام شیر پاک خورده ای به ایشان گفته است که عابر بانک روزی یک میلیون تومان وجه نقد می دهد! بعد از رد کردن این مرحله، وارد مرحله دوم می شوید. آه، اتاق انتظار! شما آنجا در محاصره افرادی که به نظر می رسد «انتظار» را به سطح المپیک رسانده اند، می نشینید و رقابت تنگاتنگی را برای کسب مدال شروع

به سال ۲۰۲۴ خوش آمدید؛ جایی که ماشین های پرنده و دستیاران هوش مصنوعی قد علم کرده اند، ولی هنگامی که به مطب پزشک خود مراجعه می کنید، شاید این حس را داشته باشید که وارد ماشین زمانی شده اید که روی سال ۱۹۹۹ قفل شده است. در اولین قدم، منشی به شما می گوید: «کارت خوانمون خرابه. پول نقد همراتون هست؟ اگر نیست، تشریف ببرین عابر بانک